جواد موفقیان بخشی از دارایی خود را برای تأسیس مرکز تحقیقاتی فناوری های توانبخشی عصبی، وقف کرد

یک وقف و هزار امید





گفتوگو با بیژن عبدالکریمی، دانشیار فلسفه

درباب عقلانيت جامعه و دفاع عقلايي

و خروش دارند، اما خُارجُ از آن می بینید که بخش وسیعی از مردم در این جریانات، حساسیت از

طرحنو|مجتبى پارسا|چەار تباطىميان ارخ روامیتیی بارسا اجاد زباطی میان عقالات در یک جامعه و رشد آدامی اگر اطراقی می می تواند وجود داشته باشد: شاید اولین پاسخی که بعدهن می بیشتر باشد این هرچه عقالات جامعه بیشتر باشد، این جامعه از رفتار های افراطی بیشتر باشد، این دارد و بر عکسی، یعنی هرچه جامعه از عدادی بیشتری می باید در آن جامعه اعتلای بیشتری می باید

بیــژن عبدالکریمــی در پاســخ بــه این پرسش ما معتقد اســت، نکته مهم در این میان، اصالتی است که باید در عقلاتیت _ وجــودداشــ ... تەباشىد. يكىي از پايەھاي عقلانیت اصیل، نقداست. در نقد، یک محل نـزاع وجـوددارد که میـان منتقدو مدافع، مشترک اسـت و تا زمانی که محل نزاع،روشــنُ نشــود،اينَ مواجِهه،اصالتي ندارد. به عبارت دیگر، بــرای آغاز مواجهه میان نقد کننده و نقد شــونده، باید ۱) فهم صحیحی از موضع طرفین میان آنها صورت گرفته باشــد که این بهمعنای وضوح محل درفته بهست ده این بهمعنی وضوع محل نزاع است: و ۲) محل نزاع، میان طرفین، مشتر ک باشند. یعنی مدافع، باید دقیقا از همان چیزی دفاع کنند که نقاد، آن را نقد می کنند. در ادامه بخش هایسی از گفتو گو با بیژن عبدالکریمی، دانشنیار فلسنفه و با بیژن عبدالکریمی، دانشنیار فلسنفه ورن استاد دانشگاه در گفتوگو با «شهروند» را

در نگاهی کلی تنافری را که میان عقلانیت و افراطی گری وجود دارد چگونه تشریحهی کنید؟

ریح کی .. رفتارهای غیرعقلانی در جامعه ایران به کرات به چشم می خصورد. رفتارهایی که همه آنها غیرمتوقع هستند. تحلیلی که من از جوامع امروز دار م، این است که سیاست قدر ت ساز ماندهی دارم، این است نه سیاسست فعرت سازمندهی و قدرتهای سیاسسی، ابزارهای مختلفی برای ســازماندهی دارند البته در این سازماندهیها، یک عده مردم در جوامم مختلف هم هستند که براساس ایدئولوژی و فرهنگ، به این حرکتهای پراسش پیدولوری و فرهند، به این خر سعهی غیراصیل، جذب می شوند من فکر می کنم این حر کتجا، برخاسته از پاراهای منابع قدرت در برخی جوامم است و اصالت ندارند، به این معنا که این حرکتها را نمی تـوان یک روند طبیعی دانست که حتی ارزش بحث داشته باشد. اما

عموم مردم، درواقع، بسياري از مردم اين كشورها عقلایی و حرکت غیر عقلانی است؟ ببینید، آن چیزی که در بسیاری از حرکتهای در این روند غیراصیل، به طور غیرطبیعی وارد می شوند. نمی گویم همه مردم، اما عدهای هم هستند که احساساتشان از اتفاقات پیرامون، اعتراضی در ایران در واکنش به بسیاری مسائل، سرسی طربیرن در و سس به بسیاری سست. روشسن نیست، این اسست که محل نــزاع در چه چیزی است؟ بهطور مثال، افراد یا گروههایی جریحهدار میشود. اما حقیقت این است که در اتفاقاتی که مردم در حرکتهای خیابانی، جوش

چه چیری است به عنور سال ۱۹۲۰ یا طورسایی که در غرب و آمریکا، مثلادر حوزه اسلامهراسی، اقدامی انجام می دهند، دقیقا به چهچیزی حمله می کنند؟ باید دید کـه این افـراد چهچیزی را نقد می کنند؛ و در مقابل، ما نیسز باید بدانیم که از چهچیزی دفیاع می کنیم. نــه آن افرادی که ی دردی ته سیخواهند به اسلام یا پیامبر اسلام(ص) حمله دمىدانند كەبــە چەچىــزىدقىقا حملە می کنند و نه محل نزاع برای ما به در ستی روشن ی رکزی کی این کردی کی این کردی کی این کردی کی این کردی کی است تا بتوانیم از آن دفاع کنیے، برای مخالفت عرض می کنم که یک فسرد غربی، برای مخالفت شـــونت و افراط گرایی اقدامی انجام می دهد. ــیار خب، ما هم با خشـــونت گرایی مخالفیم.

وسیعی ر مردم در این جریانات، حساسیت از خود نشان نمی دهند و فعال نیستند، اما بعضی از نهادها در این کشورها، قدر تشان را در این نوع مناسبات و مقابله ها تعریف می کنند حقیقتا، به نظر نمی رسد که مقوله افراط گرایی ارزش بحث داشته باشد. . • خب فکــر می کنیــدروش عقلایی یک جامعه برای اعتراض به آنچه که نمی پسندد چه روشی است؟ به نظر من، راههای متعددی وجــود دارد. اگر بهادهای طبیعی و مدنی در جامعه وجود داشت که بهطور طبیعی این حرکات را انجام می دادند، مگر دعُوت پیامبر اسلام(ص) به خشونت گرایی

می توانستیم اصالتی را در آنها قایل شویم، اما این برخور دها بسیار شکلی، صوری و بیگانه از زبان این افراد، اسلام و پیامبر اسلام(ص) را بهاستهزاء میگیرند، من معتقدم، آنها دست به کاری میزنند که نمی فهمند و چیزی از آن نمی دانند! جهانمعاصراست. • منظـورم از پرسـيدن اين سـوال، اين

رفتارهای غیر عقلانی در جامعه ایران به کر ات به چشیم می خورند. رفتارهایی که همه آنها غیر متوقع هســـتند. تحلیلی که من از جوامع امروز دارم، این اســت که سیاست قــدرت ســازماندهی و قدرتهای سیاســی، ابزارهــاری مختلفی برای ســازماندهی دارند البته در این ســازماندهی ها، یک عــده مردم در جوامع مختلف هم هســتند که براســاس ایدئولوژی و فرهنگ، به ایــن حرکتهای غیراصیل، جذب می شــوند

به طور مثــال، افراد یا گروه هایی کــه در غرب و آمریکا، مثلا در حوزه اسلام هر اس . اقدامی انجام می دهند، دقیقا به چه چیازی حمله می کنند؟ باید دید که این افراد چه چیازی را نقد می کنند؛ و در مقابل، مانیز باید بدانیم که از چه چیزی دفاع می کنیم. نه آن افرادی که می خواهند به اسلام یا پیامبر اسلام(ص) حمله کنندمی دانند که به چه چیزی دقیقا حمله می کنندونه محل نزاع برای ما بهدرستى روشن است تابتوانيم از آن دفاع كنيم.

> متاسفانه این خطر در جامعه ما وجود دارد که برخی جریانات، به شدت با پوپولیســـم بیوند خوردهاند.بر خُی سازماندهی ها هم از منابع قدر تی است که با پوپولیسم تغذیه میشوند.دفاع بر خی مسلمانان، نه فقط دفاع مناسبي نيست، بلكه چهر ه اسلام و اسلاميت رانيز در جهان خدشه دار می کند. دفاع بد، آن حمله را اثر گذار تر

یعنی آنهااساسا در کی از سنت تاریخی ما ندارند. نمی توانندسنت تاریخی شرقی را در ک کنند. لذا مواجهه آنها، یک مواجهه صوری است. کسانی هم که برای مقابله با آنها، به این شکل دفاع می کنند، بود که چه عنصری، مرز میان یک حرکت

درواقع دفاعشان، صوری است. دو گروه صورت گرا در مقابل هم قرار می گیرند. نهمحل نقد روشس ست؛نهمحل دفاع. اومیخواهد تروریسم و خشونتگرایی را محکوم کندامانمی فهمد که یک «مسلمان» مگر مى تواند با اينها موافقت كند؟ مگر دين حضرت محمد(ص)، دين خشونت و ترور است كه تو اينها را به او و دین اسلام نسبت می دهی؟ لذا نباید در حمله به این افراد هتاک، این گونه از اسلام دفاع کرد. ما نیازمند حرکات عمیق تیر و اثر گذار تری ه.نه أن حمله، حمله اصيلي أس

دفاعها،دفاع أصيلي است. • پس معتقدید در همه مواجهات، نه تنها باید محل حمله و دفاع مشخص باشد، بلکه باید یکی باشند. در ست است؟

... بله. باید دقیقا محل نزاع مشخص شود تا بتوانیم دانیم از چهچیزی دفاع می کنیم که این دفاع، اصالت پیدا کند. زمانی مقابله معنا دارد که فهم آنچه در ذهن حمله کننده و آنچه در ذهن مدافع است، بكي باشد. جون معتقدم آنها به حين ي حمله می کنند که هیچ ربطی به اعتقادات، باورها و سنت تاریخی ما ندارد. لذا نــه آن حملهها و هتاکیهای باریخی ما نداردانات ان حماها و هنا فی های برخی غربیان و نه این نوع دفاع برخی مسلمانان تاثیری روی افراد ندارند. به قبول افلاطون رمد گروهنی که در مرحله «کاکسا»، یعنشی ظان و گمان هستند، در برابر هم قرار گرفتهاند هیچ نوع آپیستمی روشنی در این مواجهه وجود ندارد. کاملا پیستنی روستی در پیک خورجه و جود نظرت ما باید از صوری و عوامانه با هم برخـوردمی کنند. ما باید از دین و پیامبر و سـنتمان، دفاعی عقلاتی داشــته باشـــم تا این دفاع، شکلی عقلایی، عمیق و اصیل

متاسفانه این خطر در جامعه ماوجود دار د.برخی جریانات، به شدت با پوپولیسم پیوند خوردهاند برخی ســـازماندهی هاهم از منابع قدرتی است که با پوپولیســـم تغذیه می شـــوند. دفاع برخی مـــــامانان، نه فقط دفاع مناسبی نیست، ير جريانات، به بلكه چهره اسلام و اسلامیت را نیز در جهان خدشهدار میکند دفاء،

عقلانيت، اصل است

بادداشت

شـرکتی دارد و در

این میشبود اعتراض علمبی و عقلانبی که در تمبام دنیای

پيشرفته رايج است ہ۔ یک رئیسجمهوری

کشــورهای عدیافته، اگــر

هُدیــهای نامشــروعُ بگیــرد، مطبوعــات

اكنو∴ ساا هاسـت

آبرویسش را میبرند و کار به دادگاه کشسیده

أن را علنــي كنا

در تروییج فرهنگ نقد و نقیادی و اعتراض بسیار سازمان میماند بیران میست در بهوییم اعتراض کردن هم فرهنگی دارد که باید آن فرهنگ را براسـاس اصـول زندگی مدرن امروزی آموخت. مطبوعات و رسـانههای ما باید در قدم اول انحراف ها را علنی کنند. چندان که رسانه ها باید چشم و گوش پ باشند حتی رفتار و زندگی خصوصی مسئولان را نیز باید رصد کنند. یک فرد در اجتماع باید به مسئولان و مدیسران خود

عشق بورزد و حساس باشد که راه را درست بروند و اگر اشتباه رفتند در قدم اول به آنها غیر عقلانی و غیر علمی. اعتراض های عقلانی و علمی بیشتر به دوران جدید تعلق گوشزد کند. پس مطبوعات ما برحسـ اكنون سال هاست كه

ات ما برحسب وظیفه دینی حتی باید به وابستگان مسئولان هم حساس باشند و ببینند مثلا مابهگونهایاحساسی، غیرعقلاتی، تعصبی و غیرعلمی شده است. اولین اتفاقی که در جامعه ماخیلی رواج دارداین است که این رے ر۔یں،ست نہ این نوع اعتراض به جای علم و عقل نشسته است.در سنت ماهر کسی که روبه دولت روشنفکر،درصورتیکه اعتراض بطی به فکرندارد. اعتراض ونقدبایدعقلانی باشدونه توخالی و جنجالی و

هیاُهویتهی وظایفــــم را در برابــر خدا وخلــق انجام دادهام و مشــکلی ندارم و این

که دامنه نقد و اعتراض در جامعه ما به گونسه ای احساسسی، غیر عقلانی، تعصبی و غیر علمی شسده است. اولیسن اتفاقی که در جامعه ما خیلی رواج دارد این است که این نوع اعتراض به جای علم و عقل نشسته

در سینت ما هر کسی کیه رو بیه دولت مشــُـتی بلند کند به او می گویند (وشنفکر، مشتی بنند نند به او می تویند رو ... در صورتی که اعتراض ربطی به فکر ندارد. ادامه در صفحه ۱۰

در ایسن فرصت که قسرار است درباره عقلانيت سـخن گفته شـود، بهتر است از منظر پدیدارشناسی اعتــراض در جامعه وارد شــویم. بهمعنــای دیگر از شــیوهها و سُـاحتُهای گوناگـون اعتـُراض و نقد درُ جامعه سـخن بگوییم تا بدینوسیله، ارزش عقلانیـت روشــن شــود. اعتــراض به یک مســاله یا پدیــده می تواند دو گونه باشــد. اعتراضهای عقلانی و علمی و اعتراضهای

> نصریه پرهاری و ر ... است. اعتراض و نقد در هر حوزهای بی تردید سازنده است: مثلا اعتراض و نقد علمی در حوزه سیاست، یک جامعه را در روند آزمون و خطا پیش رسون و خطب پیسس میبرد و تکامل میبخشد. اعتراض علمیی و عقلانی پسندیده است. نقل است پستدیده است. نقل است که علی(ع) در نهجالبلاغه از یک نفر که او را در روزهای سخت جنگ صفین ستایش کرده بود،

ناراحت شد.

غرور آفریس و فریبنده است. به جای آن رار رر بیایید خطاهای مـرا بگویید کـه اگر خدا کمکم نکند از خطا درامان نیستم. بنابراین اعتراض علمي يعني همين گفتن كاستيها و خطاها. در اينباره از ائمه معصومين باز ر در ایت هایی داریم که اگر کسی خطای شهم روایت هایی داریم که اگر کسی خطای شهمارا گفت عصبانی نشهوید و حتی اگر اشتباه هم كرد، باز تحمل كنيد و يرخاش نكنيد چون وقتى گفتن خطا رسم بأشد،

دارنسد کُسه دوران نقسد و ُ رُ ا نظریه پردازی و تولید علم

سرزنش کرده و در اُخُر می گوید، اگر مرا ستایش کنید من فکر می کنم